

شخصیت حقوقی، اقامتگاه، تابعیت و مسئولیت های شرکت های چند ملیتی

سعید جوهر

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین، قاضی دادگستری

نویسنده مسئول:

سعید جوهر

چکیده

امروزه با توسعه مبادلات بازرگانی در عرصه بین المللی، سرمایه گذاری نیز جنبه بین المللی گرفته و دیگر منحصر به مرزهای سیاسی کشورها نمی باشد. بعد از جنگ جهانی دوم، شرکت های چند ملیتی به عنوان مهم ترین شرکت های فعال در امور تجاری توجه بسیاری از محافل علمی و سیاسی جهان را به خود کردند. اگرچه نمی توان منکر برخی تبعات منفی حضور این نوع شرکت ها در عرصه اقتصادی- اجتماعی کشورهای میزبان شد، لیکن ورود این نوع شرکت ها همراه با سود کلانی است که باعث گردیده کشورهای در حال توسعه راغب به حضور آن ها شوند و برای این منظور اقدامات جدی برای فراهم نمودن بستر حقوقی و سیاسی جهت جلب سرمایه گذاری و فعالیت آن ها در کشورشان می نماید. تاریخ ایجاد شرکت های چند ملیتی با تاریخ سرمایه گذاری خارجی به نوعی گره خورده است زیرا جهش اصلی سرمایه گذاری خارجی به دهه ۱۹۵۰ برمی گردد. شرکت های چند ملیتی به علت ساختار حقوقی و تجاری خود، مسائل پیچیده ای را در حوزه حقوق بین الملل عمومی خصوصی و تجارت بین الملل مطرح نموده اند. این چنین پیچیدگی هایی که ناشی از ساختار پیچیده این شرکت هاست، موجب گردیده از زوایای مختلفی قابل تحقیق و بررسی باشند. در تحقیق حاضر تلاش شده است با توجه به تاثیر هر یک از این مقولات بر سایر جنبه های مرتبط با شرکت های چند ملیتی، تحقیقی جامع صورت گیرد که با تکیه بر تحلیل ساختار حقوقی این شرکت ها و تجزیه و تحلیل مسائلی چون تابعیت آن ها و بیان مسیرهای ورود آن ها پرداخته شود.

کلمات کلیدی: مبادلات بازرگانی، سرمایه گذاری، شرکت های چند ملیتی، عرصه بین المللی.

مقدمه

مفهوم شرکت چند ملیتی محصول دوره پس از جنگ جهانی دوم است و به نظر می رسد تا قبل از ۱۹۶۰ این اصطلاح در جایی مورد استفاده قرار نگرفته است. استعمال عنوان شرکت چند ملیتی از زمان انتشار مجله بیزنس ویک (business week) آغاز گردید. این واژه برای نخستین بار توسط دیوید لیلینتال (David Liliental) رییس "سازمان دره تنسی" بزرگ ترین مؤسسه خدمات عمومی ایالات متحده، در سال ۱۹۶۰ به کار برده شده؛ یعنی پس از سالیان زیادی که از فعالیت این گونه شرکت ها می گذشته است. در واقع سابقه فعالیت این گونه شرکت ها به یک قرن قبل از آنکه کاربرد نام آنها متداول شود بر می گردد. در سال های دهه ۱۸۶۰ شرکت هایی به وجود آمدند که در آن سوی مرزهای کشور خود شروع به تولید کردند. مثلاً شرکت هایی چون "سینگر"، "وستینگهاوس الکترونیک" و... در آن دوران کارخانجات تولیدی در دیگر کشورها داشتند. ضمناً شرکت های نفتی همچون "رویال داچ شل" از نمونه های پیشگام این نوع شرکت ها بودند. گرچه همان طور که ذکر شد، زمان ظهور این شرکت ها در سطح وسیع، اواسط قرن بیستم می باشد. اگر چه در طی دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، احساسات ناسیونالیستی در جهان سوم یک سری اعتراضات را علیه فعالیت این شرکت ها به همراه داشت، اما حکومت ها دریافتند که می توانند با تدوین مقررات محدود کننده، امتیازاتی را از این شرکت ها بگیرند. از این رو انگیزه برای حضور این شرکت ها از سوی کشورهای جهان سوم بیشتر شد. از آنجا که اقتصاد ایران درگیر مسائل و مشکلات عدیده ای از قبیل بیکاری گسترده، ناتوانی در گسترش صادرات غیر نفتی، بهره ورپایین در تولید و تورم بالا شده است، ضرورت ورود سرمایه خارجی از طرق مختلف از جمله توسط شرکت های چند ملیتی بیش از پیش احساس می شود. در واقع می توان گفت که شرکت های چند ملیتی یکی از اشکال سرمایه گذاری های مستقیم خارجی در کشور میزبان هستند. این نوع شرکت ها با تشکیل شرکت های فرعی در کشور میزبان فعالیت می کنند. در یک تعریف ساده از شرکت های چند ملیتی می توان گفت: «شرکتی است که مرکز اصلی آن در یک کشور پیشرفته صنعتی بوده و شرکت های فرعی گوناگون آن در کشورهای مختلف جهان فعالیت می نمایند.» در نتیجه این شرکت ها، مجموعه ای یکپارچه و سازمان یافته از وسایل تولید و توزیع در جهان هستند که زیر نظر یک واحد اصلی سیاست گذاری، اداره می شوند.^۱ در این مقاله ابتدا شخصیت حقوقی شرکت های چند ملیتی بررسی می شود. سپس آثار این شخصیت که شامل اقامتگاه، تابعیت و طرح دعوا علیه این نوع شرکت ها بررسی می گردد.

۱- شخصیت حقوقی شرکت های چند ملیتی

در تعریف شخصیت حقوقی می توان گفت: «صلاحیت دارا شدن حق و تکلیف برای موضوعات غیرانسانی است.»^۲ در نتیجه شخص حقوقی وجودی غیر حقیقی است که از نظر علم حقوق، صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف را دارد.^۳ وفق ماده ۵۸۳ از قانون تجارت ایران، همه شرکت های تجاری قانون تجارت، دارای شخصیت حقوقی هستند و از حین ایجاد واجد شخصیت حقوقی می شوند و می توانند طرف حق و موضوع تکلیف باشند لکن وجود و موجودیت این شخصیت و به رسمیت شناختن آن توسط دولت ها و مراجع قضایی، به محض ثبت رسمی است. این بدان معنا نیست که ثبت شرکت یکی از ارکان تشکیل دهنده شرکت باشد و بدون آن شرکت شکل نگیرد بلکه شرکت صحیحاً تشکیل می گردد و موجودیت و رسمیت آن از زمان ثبت در مراجع رسمی خواهد بود. این مطلب را در قانون ثبت شرکت ها می توان دید و دارای محمل قانونی است.

در خصوص شرکت های چند ملیتی باید گفت که اساساً این نوع شرکت ها، در کشوری که تشکیل شده اند، وفق مقررات دارای شخصیت حقوقی مستقل و مربوط به خود هستند. اما در این که این نوع شرکت ها در خارج از سرزمین خود دارای شخصیت حقوقی باشند، تردید وجود دارد؛ چراکه دارا بودن شخصیت حقوقی آن ها تنها در کشوری است که تشکیل شده اند و در سایر کشورها، این قوانین دولت هاست که تعیین کننده وضعیت آنها می تواند باشد. اصولاً شرکت های چند ملیتی به واسطه شرکت های فرعی در کشورهای دیگر به فعالیت تجاری می پردازند. براساس آنچه در کمیسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق تجارت بین الملل آمده است: «اصطلاح شرکت چند ملیتی در مفهومی گسترده استعمال می شود و موسساتی را دربر می گیرد که از طریق شعب، شرکت های تابعه، شرکت های وابسته و فرعی انجام فعالیت های تجاری مهم را در کشور میزبان انجام می دهند.»^۴ رایج ترین الگویی که برای

^۱ محسن طلائی، شرکت های چند ملیتی: قابل دسترسی در :

<https://library.tebyan.net>

^۲ قربان نیا، ناصر، شخصیت حقوقی سازمان های بین المللی، نامه مفید، ۱۳۷۷، شماره ۱۴، ص ۴۲.

^۳ صفار، محمد جواد، شخصیت حقوقی، تهران، دانا، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۸۳.

^۴ سماواتی، حشمت ا...، شرکت های چند ملیتی: عطیه یا بلیه، مجله سیاسی اقتصادی، بی تا، شماره ۱۰۳ و ۱۰۴، ص ۱۲۶.

شرکت های چند ملیتی می توان ترسیم کرد به این صورت است که شرکت مادر در راس هرم قرار می گیرد و شرکت های زیرمجموعه آن تحت کنترل شرکت اصلی به فعالیت می پردازند.

شرکت های تابعه، یک واحد اقتصادی را تشکیل می دهد که از نظر اقتصادی کاملاً تحت اداره و سیطره شرکت مادر است لکن برای آن که بتوانند در کشور دیگر فعالیت کنند، باید وفق مقررات آن کشور به ثبت برسند و به مانند یک شخصیت حقوقی مستقل فعالیت کنند. در نتیجه شرکت های تابعه شرکت چند ملیتی، واجد شخصیت حقوقی مستقل در کشور میزبان هستند و طبق قانون همان کشور خارجی با شخصیت حقوقی مستقل در کشور محل ثبت از وضعیت حقوقی یک شرکت تجاری داخلی برخوردار هستند و شخصیت حقوقی جداگانه ای دارند. اما شعبه شرکت های خارجی شخصیت حقوقی مستقلی ندارند و جزیی از شرکت اصلی به فعالیت می پردازند. در پایان خاطر نشان می شود که برای آن که شخصیت حقوقی شرکت فرعی صحیحاً تشکیل یافته باشد، باید در در اداره ثبت شرکت های ایران با رعایت آئین نامه ثبت شرکت ها به ثبت برسد.^۵

۲- اقامتگاه شرکت های چند ملیتی

اقامتگاه هر شخص جایگاه حقوقی او را در جامعه ای که در آن فعالیت می کند مشخص می سازد. در واقع، اقامتگاه، از آثار وجود شخصیت حقوقی است. اقامتگاه اشخاص حقوقی مسائل مهمی را در برمی گیرد که در حقوق ایران با توجه به تعارض بین مواد ۱۰۰۲ قانون مدنی و ۵۹۰ از قانون تجارت قابلیت تعیین پیدا می کنند و هر یک از حقوقدانان نظرات متفاوتی را در این خصوص ارائه داده اند. اما به نظر می رسد که اقامتگاه اشخاص حقوقی در حقوق ایران مرکز عملیات آن هاست که با توجه به نسخ ماده ۵۹۰ قانون تجارت به وسیله ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی تعیین شده است.^۶ علت وضع این قاعده را می توان نتیجه توجه قانونگذار به شرایط حاکم بر روابط اقتصادی بین المللی ایران باشد؛ به این معنی که قانونگذار با ملاحظه آن که شرکت های بزرگ به خاطر برخی منافع با استقرار محل عملیات خود در کشور ایران فعالیت می کنند، مقیم ایران محسوب کند. در خصوص شرکت های چند ملیتی باید گفت که اقامتگاه شرکت مادر در کشور است که در آنجا تشکیل یافته و محل امور مهم آن کشور در آنجاست اما همانگونه که گفته شد، این شرکت ها برای فعالیت در سطح بین المللی می باید شرکت های فرعی و تابعه ای را تشکیل دهند و تشکیل این شرکت ها میسر نیست مگر آن که وفق قانون کشور محل فعالیت، تشکیل شوند و بر پایه مقررات آن واجد شخصیت حقوقی گردند. پس از ایجاد شخصیت حقوقی برای آنان، این شرکت های فرعی واجد اقامتگاه معین در کشور میزبان می شوند و اقامتگاه آنها مثلاً در کشور ایران، وفق ماده ۱۰۰۲ مرقوم، مرکز عملیات ایشان است. در واقع مرکز امور مهم جایی است که عمده فعالیت شرکت در آنجا انجام می گیرد. این ضابطه کمک زیادی به تعیین محل دقیق اقامتگاه شرکت های فرعی و وابسته به شرکت چند ملیتی می کند و از معیار محل اداره شخص حقوقی مناسب تر است. اما امروزه اقامتگاه شرکت در اساسنامه آن تعیین می شود و بدین لحاظ مشکلی برای تعیین اقامتگاه آن ایجاد نمی شود.

۳- تابعیت شرکت های چند ملیتی

تابعیت هر شخص تعلق او به یک دولت یا کشور را معین می نماید. اما بین تابعیت اشخاص حقیقی و حقوقی تفاوت هایی وجود دارد. در مورد اشخاص حقیقی، تولد آنها تعیین کننده است. در مورد شرکت های چند ملیتی، سه ضابطه عمده برای تعیین تابعیت آن ها در نظر گرفته شده است: محل ثبت و تشکیل، مرکز اصلی شرکت و سیستم کنترل. دولت ها می توانند تابعیت خود را به هر یک از شرکت هایی که در خاک آن ها موجودیت یافته اند، اعطا نمایند. بر این اساس اگر شرکتی در کشوری به ثبت برسد، ممکن است دارای تابعیت آن کشور بشود. در خصوص شرکت های چند ملیتی با یک شرکت مادر مواجه هستیم که تابعیت کشور محل ثبت خود را دارد و چندین شرکت فرعی که هرکدام مطابق با قوانین کشور محل فعالیت به ثبت رسیده اند و تابعیت آن کشور را دارند.^۷ در حقوق ایران مطابق با ماده ۵۹۱ قانون تجارت، اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آن ها در آن مملکت است. بنابراین برای تعیین تابعیت شرکت های فرعی، باید اقامتگاه آن ها را مشخص کنیم و پس از آن تابعیت این نوع شرکت ها معین می گردد. براساس آن چه در بخش قبل گفته شد، اقامتگاه اشخاص حقوقی در حقوق فعلی ایران، مرکز عملیات آن هاست. در نتیجه اگر شرکت چند ملیتی در ایران به ثبت برسد و فعالیت و عملیاتی در کشور ایران داشته باشد، دارای تابعیت ایرانی است. هرچند که چنین شرکتی اساساً توسط

^۵ نصیری، مرتضی، شرکت های چند ملیتی با توجه به قوانین ایران، مجله روابط بین الملل، ۱۳۵۵، شماره های ۷ و ۸، ص ۱۳۷.

^۶ سلجوقی، محمود، بایسته های حقوق بین الملل خصوصی، تهران: میزان، ۱۳۹۵، ص ۱۵۲ و ۱۵۳.

^۷ نصیری، مرتضی، حقوق چند ملیتی، شرکت نشر دانش افروز: چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۱۴۵.

یک شرکت مادر اداره شود.^۸ شاید در تحلیل نهایی که بر مبنای صورت شرکت چندملیتی بتوان ارائه داد، چنین شرکتی را اصالتاً دارای تابعیت چندگانه بدانیم؛ چراکه در کشورهای مختلف توسط شرکت های فرعی خود فعالیت می کند و ناچار باید به ثبت برسد و سپس در این کشورها فعالیت نمایند.

۴- مسئولیت های شرکت های چند ملیتی

مسئولیت مدنی و تعاریف آن در کتب حقوقی آمده است و در اینجا سوال اصلی که مطرح می شود بررسی این موضوع است که آیا اگر مسئولیت مدنی یا قراردادی برای شرکت فرعی به وجود آید، مسئولیت متوجه چه شخصی است؟ شرکت مادر و یا شرکت فرعی؟ به نظر می رسد با توجه به اینکه شرکت فرعی دارای شخصیت حقوقی مستقل از شرکت مادر است، مسئولیت هایی که برای شرکت فرعی در کشور میزبان ایجاد می شود، متوجه خود شرکت فرعی است و اما در فرضی که شرکت فرعی توان و امکان اجرای تعهدات را نداشته باشد، به نظر می رسد که بتوان به شرکت مادر رجوع کرد. چراکه شرکت اصلی مسئول جبران خسارت های ناشی از افعالی شرکت فرعی و شرکت های زیرمجموعه خود است. از نقطه نظر حقوقی باید گفت اگر شرکت مادر را در این حالت مسئول ندانیم، ممکن است ترغیب به تاسیس شرکت های فرعی شود و با مستمسک قراردادن آن ها و در نظر گرفتن منابع مالی اندک برای شرکت های فرعی خود، تعهدات مالی خود را اجرا ننماید و در نتیجه مدیونین شرکت بلامتکلیف می مانند. اما مسئله ای که قابل بحث است صلاحیت محلی برای طرح دعواست. در جایی که شرکت چند ملیتی به واسطه شرکت فرعی وارد معامله شده و تعهداتی را به بار می آورد، قطعاً شرکت فرعی باید طرف دعوا قرار گیرد و که طبق ماده ۲۳ از قانون آئین دادرسی مدنی، و ماده ۱۱ قانون مذکور در محل مرکز اصلی شرکت قابل طرح است و از جمله صلاحیت های اختیاری بوده و در محل وقوع تعهد یا محل تسلیم کالا یا پرداخت پول نیز قابلیت طرح دارد. اگر شرکت چندملیتی به واسطه شعب خود فعالیت تجاری داشته باشد، از آن جا که شعبه شخصیت مستقل از شرکت اصلی ندارد لذا وفق ماده ۲۳ مرقوم دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه یا اشخاص خارج باید در دادگاه محلی اقامه شود که شعبه طرف معامله در آن جا واقع شده است.

اما در حالتی که شرکت فرعی توان پرداخت دیون خود را ندارد یا اساساً باید به طرفیت شرکت چندملیتی دعوایی را مطرح کرد، موضوع محل اختلاف می شود. از طرفی شرکت چندملیتی در خارج از کشور واقع شده و از طرف دیگر خسارت به بار آمده در نتیجه فعل شرکت چندملیتی است. شاید بتوان در حقوق ایران از ماده ۹۶۸ قانون مدنی استفاده کرد و در محل وقوع عقد که همانا در کشور ایران می باشد به طرفیت چنین شرکتی طرح دعوا کرد. هرچند در صورت وجود امکانات می توان در کشور خارجی نیز به طرفیت این شرکت دعوایی را مطرح نمود.

در مورد ورشکستگی شرکت های چند ملیتی می توان گفت که دادگاه مرکز عملیات شرکت که در واقع دادگاه اقامتگاه شرکت فرعی است، صلاحیت رسیدگی به امر ورشکستگی را دارد لکن برای اجرای حکم در خارج از کشور، نظرات متفاوت و متنوع است. برخی معتقدند که این حکم در چهارچوب کشور صادر کننده رای قابل اجراست و برخی دیگر اعتقاد دارند در خارج از کشور نیز قابلیت اجرایی دارد. در حقوق ایران می توان از مواد ۲۱ و ۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی در این خصوص استفاده کرد و چنین نظر داد که اگر مرکز اصلی شرکت چندملیتی در ایران باشد، دادگاه ایران صالح به رسیدگی است. اما اگر شرکت چندملیتی در خارج از ایران اقامتگاه داشته باشد، ولی در ایران شعبه یا نمایندگی دارد دادگاه ایران می تواند به امر ورشکستگی چنین شرکتی رسیدگی کند چراکه یک عنصر داخلی وجود دارد و در مورد شرکت فرعی نیز مستقلاً قابل اعمال و اجراست و حکم ورشکستگی وی را می توان صادر کرد.

نتیجه گیری

مؤسسات چند ملیتی در کشورهای مختلف و تحت سیستم های حقوقی مختلف فعالیت می کنند و این به معنای شمول قوانین و مقررات مختلف و حتی متضاد بر فعالیت این مؤسسات است. از طرف دیگر مؤسسات چند ملیتی این توانایی را دارند که فعالیت های خود را در کشورهای مختلف هماهنگ کنند و این توانایی به آنها این امکان را می دهد که تا حد زیادی از اعمال و اجرای قوانین ملی که به نفعشان نیست اجتناب کنند. در حقیقت حضور و فعالیت موسسه چند ملیتی در قلمروهای حقوقی گوناگون باعث می شود مقررات مختلف و بعضاً متضادی بر فعالیت های موسسه حاکم شود و در عین حال هیچ نظام حقوقی واحد و مشخصی توانایی کنترل فعالیت های یک موسسه چند ملیتی را نداشته باشد. به این ترتیب ویژگیهای خاص مؤسسات چند ملیتی باعث ایجاد مباحث حقوقی خاصی شده که در مورد سایر شرکت ها و مؤسسات مصداق ندارد.

^۸ همان، صص ۱۴۶ و ۱۴۷.

منابع و مراجع

- ۱- محسن طلائی، شرکت های چند ملیتی: قابل دسترسی در : <https://library.tebyan.net>
- ۲- قربان نیا، ناصر، شخصیت حقوقی سازمان های بین المللی، نامه مفید، ۱۳۷۷، شماره ۱۴.
- ۳- صفار، محمد جواد، شخصیت حقوقی، تهران، دانا، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۴- سماواتی، حشمت ا...، شرکت های چند ملیتی: عطیه یا بلیه، مجله سیاسی اقتصادی، بی تا، شماره ۱۰۳ و ۱۰۴.
- ۵- نصیری، مرتضی، شرکت های چند ملیتی با توجه به قوانین ایران، مجله روابط بین الملل، ۱۳۵۵، شماره های ۷ و ۸.
- ۶- سلجوقی، محمود، بایسته های حقوق بین الملل خصوصی، تهران: میزان، ۱۳۹۵.
- ۷- نصیری، مرتضی، حقوق چند ملیتی، شرکت نشر دانش افروز: چاپ اول ، ۱۳۷۰.